

فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین الملل

احمد سلطانی نژاد*

محسن اسلامی** محمد زمان راستگو***

چکیده

اکثریت آثار موجود در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت بیشتر به چالش‌های پیشروی حاکمیت نظر داشته‌اند. اما تحقیق حاضر به دنبال چگونگی تأثیر این فناوری‌ها بر تحول مفهومی حاکمیت است. این مفهوم ضمن داشتن تعاریف گوناگون، در برهه‌ای از زمان بسط یافته و هر موضوعی را در صلاحیت خود دانسته و در برهه‌ای دیگر تحت تأثیر پدیده یا عاملی خاص قبض یافته است. بررسی یاد شده، ضمن تبیین و توضیح مفهومی حاکمیت، به عصر اطلاعات می‌رسد و فرضیه خود را اینگونه مطرح می‌سازد که فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته با دسترسی آزاد و گسترده افراد به اطلاعات و افزایش آگاهی آنها، و با کاهش چشمگیر هزینه‌ی پردازش و انتقال اطلاعات، زمینه بروز کنشگران جدید را فراهم ساخته و با توانا ساختن این کنشگران (الگوهای جدید اقتدار)، باعث می‌گردد حاکمیت، آن مفهوم سنتی خود (مطلق، تقسیم‌ناپذیر و دایمی بودن) را از دست دهد و بیشتر معنای مسئولیت به خود بگیرد. در مورد تأثیرگذاری فناوری‌ها بر مفهوم تحولی حاکمیت می‌توان قائل به تمیز بین دو نوع حاکمیت قانونی و عملیاتی گردید؛ اولی به وسیله انقلاب اطلاعاتی کمتر به چالش کشیده شده، اما دومی از لحاظ تکنیکی و هم از لحاظ هزینه با چالش اساسی مواجه شده است.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته (AICT)، حاکمیت، کنشگران جدید

*استادیار دانشگاه تربیت مدرس soltani@modares.ac.ir

**استادیار دانشگاه تربیت مدرس mohsen.eslaami@gmail.com

***دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) mzrastgoo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۳

۱. مقدمه

حاکمیت (Sovereignty) عبارت است از قدرت عالی که اولاً بر سرزمین و مردم آن اقتدار و برتری بلامنازع دارد، به ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت کنند؛ ثانیاً کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار دهند. حاکمیت چه به عنوان یک اندیشه و چه به عنوان یک نهاد در قلب دولت مدرن جای دارد و با اصلی ترین مفاهیم سیاسی مانند قدرت، نظم و مشروعیت و اقتدار مرتبط است (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

بروز و ظهور جدی مفهوم حاکمیت را به سه دوره‌ی گوناگون تقسیم کرده‌اند؛ دوره نخست آن به سال ۱۶۴۸ باز می‌گردد. در این زمان نظریه «حاکمیت دولت‌ها» توسط فرمانروایان مستقل و به منظور رهایی از سلطه پاپ مطرح گردید. در فاصله سال‌های ۱۶۴۸ تا ۱۸۱۵ میلادی، حقوق بین‌الملل به ترسیم قواعد عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر مشغول بود؛ در واقع نظریه حاکمیت دولت‌ها در مفهوم سنتی خویش، متضمن سه اصل حقوقی بود: نخست اینکه حکمران هر دولت در قلمرو خود از آزادی عمل و قدرت بلامنازع برخوردار بود. دوم آنکه دولت‌ها از لحاظ حقوق، تعهدات و آزادی عمل قانوناً در وضعیت یکسانی نسبت به یکدیگر قرار داشتند و بالاخره دولت‌ها جز قوانینی که با اراده آنها و از طریق قراردادهای، عرف و اصول کلی شناخته شده، تابع هیچ قانون برتری نبودند (کیتی شیاپزری، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۷). دومین تأکید مجدد بر مفهوم حاکمیت با تصویب منشور ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم آغاز می‌گردد. بند ۱ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد که سازمان بر اصل برابری مطلق کلیه اعضای آن قرار دارد. علاوه بر این بند ۷ ماده ۲ منشور، مداخله در موضوعاتی را که جز صلاحیت داخلی هر کشور است ممنوع می‌کند. حاکمیت دولت‌ها با ظهور مجدد فرایند و در پی آن نهضت استعمارزدایی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، برای سومین بار در تاریخ نظام حقوقی بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفت. در این سال‌ها کشورهای تازه استقلال یافته آفریقایی و آسیایی از هر نوع دخالت بیگانگان در امور داخلی خود زبان انتقاد گشودند و از این طریق موجبات استحکام هر چه بیشتر نظریه «حاکمیت دولت‌ها» را فراهم آوردند (کیتی شیاپزری، ۱۳۸۳: ۱۸).

تا اینجا حاکمیت دولت‌ها مورد تأکید جدی و بازپروری و تقویت آن مطمح نظر بود تا اینکه حاکمیت به طور روزافزون از جنبه‌های مختلف مورد چالش قرار گرفت؛ این جنبه‌های چالشی با بروز و ظهور شرکت‌های چندملیتی، دغدغه‌های زیست محیطی،

سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم، مواد مخدر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، خلع سلاح، جهانی شدن و از همه مهمتر فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته شدت یافت و این مفهوم را مورد دگرگونی و تحول قرار داده‌اند. به گونه‌ای که حتی این مباحث باعث گردید عده‌ای سخن از پایان حاکمیت برانند، که البته این دیدگاه بیشتر وابسته به مفهوم مرزی حاکمیت است؛ (See, Abele, 2014: Global Research website and Calabrese, 1999: 313-314). اما بهتر است از تحول در مفهوم حاکمیت صحبت کنیم تا پایان حاکمیت.

در فضای تحول یافته نظام بین‌الملل و تاثیرات فزاینده جهانی شدن و فناوری اطلاعات در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، کارایی حاکمیت مطلقه در دولت‌های جدید مورد تردید قرار گرفته است. بنابراین چنین می‌طلبد که به مقتضای زمان تفسیری جدید از این مفهوم ارائه گردد. با توجه به این مقدمه، پرسش اصلی این است که چگونه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی پیشرفته بر مفهوم حاکمیت تاثیر گذاشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، استدلال اصلی این مقاله این است که فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته با دسترسی آزاد و گسترده افراد به اطلاعات و افزایش آگاهی آنها، و کاهش چشمگیر هزینه‌ی پردازش و انتقال اطلاعات، زمینه بروز کنشگران جدید را فراهم ساخته و با توانا ساختن این کنشگران (الگوهای جدید اقتدار)، باعث می‌گردد مفهوم سنتی حاکمیت، تحول یابد و جنبه‌هایی از غیرقابل تقسیم بودن آن، تقسیم‌پذیر و مطلق بودن آن، غیرمطلق گردد و دایمی بودن آن مورد تردید قرار گیرد و بیشتر معنای مسئولیت به خود بگیرد. توضیح اینکه کنشگران دیگری پیدا شده‌اند که حاکمیت مطلق و غیرقابل تقسیم دولت را به چالش کشیده‌اند و خواهان محدودیت آن و افزایش نقش خود در آن حوزه شده‌اند. لذا هر چقدر حوزه فعالیت این کنشگران بیشتر می‌شود، به تبع از حوزه حاکمیت کاسته می‌گردد.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد مبحث حاکمیت و فناوری اطلاعات به طور جداگانه منابع متعددی یافت می‌شود؛ اما در مورد چگونگی تاثیر این فناوری‌ها بر مفهوم حاکمیت، کتاب فارسی وجود ندارد و مقالات هم بسیار اندک است. با وجود این، می‌توان منابع مرتبط با این موضوع را در دو دسته اصلی قرار داد؛ دسته اول منابعی که مستقیماً به تأثیر این

فناوری‌ها بر مفهوم حاکمیت پرداخته و دسته‌ای که تمرکزشان بیشتر بر چالش‌های پیشروی حاکمیت بوده است.

منابع گروه اول اندک است که می‌توان به مقاله «فناوری اطلاعات و حاکمیت» نوشته بهرام مستقیمی، اشاره کرد (مستقیمی، ۱۳۸۵). ایشان در این مقاله پس از بررسی انواع حاکمیت، به تاثیر فناوری اطلاعات بر حاکمیت دولت‌ها می‌پردازد و معتقد است، حاکمیت هم از جنبه داخلی و هم خارجی تحت تاثیر توسعه و عملکرد فناوری اطلاعات قرار گرفته است. همچنین فناوری اطلاعات با وحدت مکانی که ایجاد نموده، با مفهوم حاکمیت در ستیز است و انگاره فضای مجازی با تقسیمات کنونی سرزمین‌های جهان به دولت‌های گوناگون انطباق ندارد؛ چراکه جایی که به فناوری اطلاعات مربوط می‌شود مرزها وجود ندارد و در توضیحات خود برای بررسی تاثیر این فناوری بر حاکمیت از قالبی به نام جهانی‌سازی بهره می‌گیرد (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۴۰). یا مقاله انگلیسی «خودمختاری دولت و رمزگذاری: بررسی توانایی فناوری در تحت فشار قرار دادن خودمختاری دولت» نوشته «ناتان کلسن» که به تنش بین فناوری و خودمختاری و حاکمیت دولت با تاکید بر جهانی شدن می‌پردازد (Klassen, 2005: 1-2).

اما در مورد دسته دوم چالش‌های حاکمیت به نسبت منابع بیشتری موجود است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم. از جمله مقاله «حاکمیت دولت‌ها در عصر شرکت‌های چند ملیتی» نوشته معصومه زاده کیائی به تغییر و تحولات حاکمیت تحت تاثیر شرکت‌های چند ملیتی می‌پردازد و چگونگی محدود شدن حاکمیت از جانب شرکت‌های چند ملیتی مورد بررسی قرار گرفته است (معصوم زاده کیائی، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۱۵). در همین زمینه محسن اسلامی در مقاله «تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت» به چالش‌هایی که فناوری اطلاعات برای حاکمیت ایجاد کرده نظری افکنده است (اسلامی، a، ۱۳۸۱)؛ این چالش‌ها در حوزه‌های متعددی نظیر کاهش کنترل دولت‌ها بر شهروندان خود، کاهش میزان نفوذ دولت‌ها و نفوذپذیری آنها، ناتوانی در تنظیم سیاست خارجی و اقتصادی و غیره را در بر می‌گیرد. ضمن اینکه مقاله مذکور اشاراتی نیز به جنبه‌های تحول مفهومی حاکمیت نیز داشته که از این حیث نیز می‌تواند در مقالات دسته اول نیز جای بگیرد. وی متذکر گردیده که حاکمیت دولت در حوزه‌ی کنترل بر شهروندان خویش بیش از تمامی ابعاد دیگر مورد چالش قرار گرفته است به گونه‌ای که مفهوم حاکمیت از معنای وستفالیایی خود فاصله گرفته است (اسلامی، a، ۱۳۸۱: ۸۸).

یا مقاله‌ی «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت؛ تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت» نوشته مارک ویلیام به تغییراتی که در مفهوم حاکمیت صورت گرفته و نقدهایی که به آن وارد شده را مورد کاوش قرار می‌دهد، سپس به تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت می‌پردازد (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۳۶).

مقاله سوم در مورد دسته دوم می‌توان به «تحولات ژئوپلیتیکی حاکمیت» نوشته یوسف زین العابدین و زهرا شیرزاد اشاره کرد که به رابطه حاکمیت با سه مقوله مرز، دموکراسی و جهانی شدن می‌پردازد. این نویسندگان معتقدند دولت‌ها باید حاکمیت خود را در مسائل جهانی نظیر محیط زیست، تروریسم، قاچاق انسان، مواد مخدر و... با سیاست‌های جهانی منطبق سازند (زین العابدین و شیرزاد، ۱۳۸۸). همچنین پدیدآورندگان مقاله‌ی «تأثیر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی با بررسی موقعیت ایران» از مباحث جهانی شدن شروع می‌کنند و با تأکید بر حوزه‌های فنی و تکنولوژی جهانی شدن به تأثیر این تکنولوژی‌ها بر مؤلفه‌های سیاسی حاکمیت می‌پردازند و در نهایت معتقدند که تکنولوژی باعث افزایش قدرت شهروندان می‌شود و این موضوع حاکمیت دولت-ملت را با چالش مواجه می‌سازد (غفاری و لعل‌علیزاده، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۸).

«ساسکیا ساسن» نیز در کتاب خود با عنوان «از دست رفتن کنترل؟ حاکمیت در عصر جهانی شدن» به چالش‌های پیش روی حاکمیت در عصر جهانی شدن می‌پردازد و معتقد است با این چالش‌های متعدد، حاکمیت هنوز به عنوان خصیصه اصلی نظام بین الملل باقی می‌ماند (Sassen, 1996: 29-30).

نهایتاً یکی از اولین مقالاتی که به بحث فناوری اطلاعات در حوزه مباحث سیاسی و امنیتی در ایران به کوشش محسن اسلامی با عنوان «تکنولوژی اطلاعات -IT- امنیت جمهوری اسلامی: تهدید یا فرصت» نگاشته شده است (اسلامی، b، ۱۳۸۱). ایشان معتقد است که فناوری اطلاعات دارای دو بعد تهدیدمحور و فرصت‌محور است که در ایران به بعد اخیر آن چندان توجهی نشده است و در ادامه ذکر گردیده که «فناوری اطلاعات در حقیقت نقطه همگرایی الکترونیک و پردازش اطلاعات، امکان‌گذار از مرزبندی گذشته را برای حاکمیت دولت‌ها فراهم آورده است» (اسلامی، b، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

خلاً اساسی در این پژوهش‌ها آنجا احساس می‌شود که هیچکدام به گونه‌ای جامع و مستقل، چگونگی تاثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات پیشرفته را بر مفهوم حاکمیت مورد کاوش قرار نداده‌اند و تمامی این متون و مقالات تمرکزشان بر تاثیری است که

این فناوری‌ها بر حاکمیت دولت‌ها داشته‌اند (چه تاثیری) و یا اینکه صرفاً به چالش‌هایی که حاکمیت با آن مواجه است، نظر دارند. نوآوری در این پژوهش، چگونگی تاثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات پیشرفته بر مفهوم حاکمیت به گونه‌ای مستقل و جامع است.

روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی است که از کتاب‌ها، مقالات، اسناد، روزنامه‌ها، نشریات و منابع اینترنتی استفاده خواهد شد. به لحاظ روشی این پژوهش در صدد بررسی ارتباط معنادار میان دو متغیر اصلی یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته به عنوان متغیر مستقل و مفهوم حاکمیت به عنوان متغیر وابسته است که از روش توصیفی - تحلیلی برای فهم و بیان ماهیت این ارتباط استفاده شده است. این پژوهش به لحاظ مفهومی سعی شده پاسخی عالمانه به پرسش اصلی داده شود و بخشی از کاستی‌ها و خلاءهای مفهومی و محتوایی در این عرصه پر گردد. ضمن اینکه به لحاظ کاربردی می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات آتی باشد و نوع اندیشیدن به مفاهیم اصلی روابط بین الملل را در عصر اطلاعات و فرامدرن دگرگون سازد و امید است بتواند شیوه تعاملات حاکمان را با توجه به این تحولات تنظیم کند.

۳. چارچوب نظری تحقیق

بررسی فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین الملل یا به بیان دیگر بررسی تعدیل حاکمیت دولت به وسیله فناوری‌های مذکور در وهله اول، مستلزم ارائه چارچوبی نظری و مفهومی است. لذا در این بخش ابتدا نظریات مختلف و متعدد در خصوص فناوری‌ها را بررسی سپس به حاکمیت و چالش‌های آن نظری افکنده می‌شود.

۳-۱. فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته

امانوئل کاستلز فناوری اطلاعات را «مجموعه همگرای فناوری‌ها در میکرو الکترونیک، کاربرد الکترونیک (سخت‌افزار و نرم‌افزار)، مخابرات، رادیو، تلویزیون و الکترونیک نوری» تعریف کرده است. این فناوری‌ها در دو دسته قرار می‌گیرند: ۱- فناوری پردازش اطلاعات مانند رایانه‌ها، نرم‌افزار و غیره؛ ۲- فناوری ارتباطات مانند تلفن،

فاکس، ماهواره، کابل‌های نوری و غیره (سلطانی نژاد، موسوی شفقانی و اسدی نژاد، ۱۳۹۲: ۸۶).

همان‌طور که می‌دانیم، ارتباطات و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نقش بارزی در دگرگونی تمدن انسان و تکوین یک جهان‌بینی جدید را بر عهده داشته و تحول را از دوران باستان به عصر صنعت و سپس الکترونیک می‌کشاند. محققان براین باورند که بعد از انقلاب صنعتی، که سه قرن بر جهان حاکم بود، در ربع قرن آخر قرن بیستم «انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات» رخ داد (طاهری، ۱۳۸۲: ۸-۹). از منابع اصلی دگرگونی در جهان‌بینی‌ها، ابداعات تکنولوژیک است؛ چراکه در دل هر تکنولوژی، ایده‌ها و اندیشه‌هایی نهفته است. مارکس می‌گوید: «تکنولوژی، نوع رفتار و ارتباط انسان با محیط و طبیعت را تعیین می‌کند و نیز تعیین‌کننده‌ی کیفیت رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر است» (پستمن، ۱۳۸۱: ۳۷).

مک لوهان تلاش نموده تا با تأکید بر نقش محوری «ارتباط» به عنوان مدار هستی اجتماعی، شکل‌گیری افکار و جهانی‌بینی‌های گوناگون را در رابطه با فرایند تحول شیوه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی بررسی و تبیین کند. به نظر او، بزرگترین نیروی وسائل ارتباطی در این بوده که افکار و ادراکات ما در هر عصر و دوره‌ای، تحت نفوذ اصول مربوط به کار خود قرار داده‌اند. بر این اساس مک لوهان، سه مرحله را در تمدن بشری باز می‌شناسد: نخست، دوره‌ی قبیله‌ای با فرهنگ شفاهی و بدون خط؛ دوم، عصر کتابت و الفبا که با اختراع ماشین چاپ در ۱۴۵۰ میلادی آغاز شد؛ سوم، عصر الکترونیک، انقلاب اطلاعاتی (طاهری، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲).

بنابراین، تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در مقیاس جهانی گسترش یافته‌اند، امروزه وارد مرحله‌ی نوینی گردیده است که از آن به عنوان «فرا تکنولوژی‌ها» (Meta Technologies) یاد می‌کنند (وحیدی، ۱۳۸۶: ۷۰۲). به تعبیر ساندررا، فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی که از اوایل دهه ۹۰ در عرصه‌ی بین‌المللی گسترش یافتند، عبارت است از ترکیب کامپیوترها، رسانه‌های گروهی و نرم‌افزارهایی که با کمک یکدیگر، نوعی از محیط مجازی متشکل از شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی را در عرصه‌ی بین‌المللی تشکیل می‌دهند. فراتکنولوژی‌ها موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات جامعه بشری و همچنین ارتباط انسان با محیط اطراف و شتاب تغییرات نهادی در عرصه بین‌المللی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده‌اند (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

در سال‌های اخیر جهان قدم به دنیای جدیدی تحت عنوان «وب ۱» و در ادامه «وب ۲» گذاشته که ظرف مدت زمان اندکی، «وب ۲» به سبب امکان ارتباط تعاملی دوسویه مورد استقبال کاربران فضای سایبری قرار گرفته است. اکنون نتایج پژوهش‌ها بیانگر افزایش فعالان مجازی نسبت به شبکه‌های اجتماعی است که در عصر حاضر به محبوب‌ترین نوع وب‌سایت‌ها بدل شده و کاربران، بخش قابل توجهی از وقت خود را به این شبکه‌ها اختصاص داده‌اند. این ارتباطات دو طرفه در «وب ۲» سبب ایجاد شبکه‌های اجتماعی بزرگی همچون فیسبوک (سومین جامعه بزرگ دنیا)، آمازون (بزرگترین کتاب فروشی دنیا)، ویکی‌پدیا (بزرگترین دایره‌المعارف دنیا)، ابای (بزرگترین سوپرمارکت دنیا) و بسیاری دیگر، در تمامی زمینه‌های زندگی بشر شده و به‌نوعی تمامی روابط اجتماعی جامعه بشری را تحت تاثیر خود قرار داده است (رحمان زاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۳).

سرعت تکنولوژی به دو عرصه مذکور ختم نشده و اکنون به دنیای جدیدتر «وب ۳» و «وب ۴» گام گذاشته است. مشخصه اصلی اولی هوشمند شدن آن است. در این وب، درک اطلاعات توسط نرم افزارهای مبتنی بر وب سبب می‌شود که جستجو و حرکت در اطلاعات بسیار سریع‌تر و بهینه‌تر از قبل شود. نرم افزارها قادر به شناسایی افراد، مکان‌ها، رویدادها و ارتباط آنها با یکدیگر خواهند بود. ارتباط متقابل اطلاعات با یکدیگر و قابلیت دسترسی به اطلاعات با هر نوع دستگاه ارتباطی از دیگر مشخصه‌های وب ۳ است. در وب ۴ هوشمندی به اوج خود می‌رسد (۱) و خواندن و نوشتن و اجرا به طور همزمان انجام می‌شود (Aghaei, Nematbakhsh and Khosravi Farsani, 2012: 1-2).

علاوه بر جنبه نرم‌افزاری که شاهد تحولات خارق‌العاده‌ای بوده‌ایم، در دنیای سخت‌افزار نیز رویه تغییرات بنیادین ارتباطی به تندی در حال انجام است؛ به گونه‌ای که در این حوزه استفاده از ابزارهای ارتباطی از کامپیوتر به سمت گوشی‌های هوشمند در حال افزایش است و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه گستره‌ی استفاده از موبایل بیش از کامپیوترهاست بر اساس این بررسی‌ها تعداد اشتراکات تلفن همراه از ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۸۷٫۹ درصد در ۲۰۱۰ رسیده است (Lamer, 2012: 2-3). با این توضیحات اکنون به ویژگی‌های خاص فناوری اطلاعات نظری افکنده می‌شود.

فناوری‌های نوین ویژگی‌هایی دارد که تحولات جهان کنونی بیش از هر چیزی مرهون این ویژگی‌هاست. این فناوری‌ها به علت ویژگی‌های بی‌همتایشان بر شمار و گونه‌ای کنشگران در عرصه جهانی تاثیر گذاشته است. این ویژگی‌ها عبارتند از :

۳-۱-۱-۱. جهان‌گیری و مرکززدایی یا وحدت مکانی و حذف مرزها

«نخستین ویژگی بی‌همتای فناوری اطلاعات و ارتباطات که به افزایش شمار و گونه‌های کنشگران در عرصه جهانی انجامیده است، جهان‌گیری این فناوری‌ها است.» (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). این ویژگی باعث گردیده است که فناوری اطلاعات و ارتباطات نفوذ جهان گسترانه‌ای به دست آورند و در یک گستره جغرافیایی خاص و محدود ننگند. به عبارت دیگر، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تمامی مرزها را در می‌نوردند و از جهان مرکززدایی می‌کنند.

به عبارتی از ویژگی‌های مهم این فناوری‌ها وحدت مکانی است. انگاره‌ی فضای مجازی با تقسیمات کنونی سرزمین‌های جهان به دولت‌های گوناگون انطباق ندارد. جایی که به فناوری اطلاعات مربوط می‌شود مرزها وجود ندارد. رادارهای فراز افق با گستره‌های جغرافیایی وسیع به عمق فضای جوی قدرت حاکم می‌رسند و ماهواره‌ها با دوربین‌های بسیار دقیق به کاوش در تأسیسات نظامی و تجاری در درون مرزهای ملی می‌پردازند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

۳-۱-۱-۲. شتاب بالا

دومین ویژگی این فناوری‌ها شتاب بالای گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سطح جهان است. شتاب گسترش این فناوری‌ها به اندازه‌ای است که کنشگران موجود آنچنان که باید و شاید نمی‌توانند خود را با الزامات آن وفق دهند. «پرشتاب بودن گسترش فناوری‌های یادشده و کم‌توانی کنشگران دولتی در انطباق خود با الزامات آن، چالش بی‌سابقه‌ای را در زمینه کنترل روندهای امنیتی پدید می‌آورد. به گونه‌ای که تقاضا برای شکل‌گیری کنشگرانی که بتوانند با این چالش‌ها مقابله کنند شدت می‌یابد» (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

۳-۱-۱-۳. کنترل‌ناپذیری و قاعده‌گریزی

کنترل ناپذیری و لجام گسیختگی، سومین ویژگی مهم و چشمگیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، است. گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد حتی عاملان گسترش و زمینه سازان آن نیز نمی‌توانند آن را در کنترل خود در آورند. «قاعده گریزی» در این پدیده سایر ویژگی‌های فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این ویژگی به علت ماهیت شبکه‌ای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است که نوعی وضعیت غیر سلسله مراتبی و شبکه‌ای را پدید می‌آورد. «این وضعیت غیر سلسله مراتبی، محیط سنتی و پویای امنیتی آن را که نظام مند است نه شبکه‌ای، تحت تأثیر قرار می‌دهد» (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). در نتیجه، هنجارهای امنیتی نقض می‌شوند و چالش‌های امنیتی شبکه‌ای به وجود می‌آیند که با محیط قاعده‌مند سازگاری ندارند و کنشگران موجود نیز نمی‌توانند به نحو مناسبی با آنها مقابله کنند؛ با این وضعیت، کنشگران جدیدی در کنار کنشگران موجود ظهور می‌کنند.

۳-۱-۱-۴. بدیع و بدعت‌زا بودن

ویژگی چهارم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، که خصوصیتی بدیع و بدعت‌زا نیز به شمار می‌آید، ایجاد و گسترش جهان مجازی است. این ویژگی عرصه امنیت را دو جهانی ساخته است: جهان واقعی و جهان مجازی. «جهان واقعی همان عرصه سنتی امنیت است و جهان مجازی عرصه‌ای است که گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هر روز بر اهمیت و تأثیرگذاری آن می‌افزاید، به گونه‌ای که در حال حاضر رویدادهای جهان مجازی بر جهان واقعی سایه می‌افکند.» به دنبال افزایش اهمیت و تأثیرگذاری جهان مجازی، تهدیدهای مجازی نیز ظهور کرده و شدت گرفته‌اند. ظهور و شدت‌گیری تهدیدهای مجازی به وضعیتی شکل داده است که کنشگران موجود نمی‌توانند به طور کامل با آنها مقابله کنند و در نتیجه کنشگران غیر دولتی همچون گروه‌های تروریستی از این قابلیت و توانمندی برخوردار شده‌اند که ثبات و نظم بین‌المللی و امنیت ملی دولت‌ها را مورد تهدید قرار دهند (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

۳-۱-۱-۵. کاهش زمان

پنجمین ویژگی بی‌همتای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات این است که زمان را در می‌نوردد. گسترش فناوری‌های مذکور، زمان را می‌کاهد و کاهش زمان نیز به نوبه خود

به تحولات امنیتی سرعت می‌بخشد (۳). از آنجا که کنشگران موجود نمی‌توانند پا به پای تحولات امنیتی حرکت کنند، در نزد آنها تحولات امنیتی به تهدید امنیتی پرشتاب مبدل می‌گردد. این ضعف کنشگران موجود، ظهور کنشگران جدید را ضروری می‌سازد (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۴).

۲-۳. حاکمیت، تعاریف و مولفه‌های آن

آن معنا و مفهومی که دانشواژه‌ی ارزش در علم اقتصاد سیاسی دارد، دانشواژه‌ی حاکمیت در علم سیاست دارد. شاخه‌های گوناگون علم سیاست آن را به معانی گوناگونی به کار برده‌اند؛ اما همیشه نوعی قدرت یا اقتدار حکومتی یا قانونی از آن در ذهن بوده است. حاکمیت دانشواژه‌ی مهمی در حقوق بین‌الملل و فلسفه‌ی سیاسی است (عالم، ۱۳۸۳: ۱۵۳) (۴). ابن خلدون «حاکمیت» را مرحله‌ای می‌داند که در صورت حصول آن، فرمانبری و اطاعت در برابر فرمانروایان به قدری در عقاید مردم رسوخ می‌یابد که گویی اطاعت از آنان بر اساس کتابی آسمانی است که نه قابل تغییر و تبدیل است و به خلاف آن هیچ کس آگاهی ندارد (ابن خلدون، ۱۳۹۰: ۲۹۳). وی در جایی دیگر، در بیان حقیقت مُلک و معنی «پادشاه» عنوان می‌کند: «برتر از نیروی او قدرت قاهری موجود نباشد و اینست معنی و حقیقت پادشاه بر حسب مفهومی که مشهور است.» (ابن خلدون، ۱۳۹۰: ۳۴۱).

«بدن» حاکمیت را قدرت برتر بر شهروندان و اتباع که قانون آن را محدود نکرده باشد دانست و گفت: «حاکمیت آن عنصر اصلی است که یک اجتماع سیاسی را از سایر سازمان‌ها و یا جوامع بشری ممتاز می‌کند.» (عالم، ۱۳۸۳: ۱۵۳). وی «حاکمیت را متعلق به مقام پادشاه دانست و برجسته‌های داخلی آن تأکید کرد. به عقیده بدن مهمترین کار ویژه حاکمیت قانون‌سازی است؛ اما خود حکمران از قانونی که بدین سان وضع شده باشد آزاد است» (عالم، ۱۳۹۱: ۲۵۰). همچنین «گروسیوس» همه‌ی دولت‌ها را برابر و مستقل، و دارای صلاحیت برتر در داخل مرزهای خود تلقی کرد. از نظر جنبه‌ی خارجی، حاکمیت بدان معنی بود که دولت از سلطه‌ی بیگانگان به طور کامل مستقل و آزاد است (عالم، ۱۳۹۱: ۲۵۰-۲۵۱). «هابز» معتقد بود که مردم بنا به یک قرارداد اجتماعی همه‌ی حقوق و اختیارات خود را بدون هیچ قید و شرطی به حاکم واگذار کرده‌اند که طرف این قرارداد اجتماعی نیست (عالم، ۱۳۸۳: ۱۵۳). «روسو» نیز تعاریفی از حاکمیت ارائه داده است. اگرچه او با بدن و هابز موافق بود که حاکمیت مطلق و

نامحدود است، اما او حاکمیت را به اراده‌ی عمومی مردم متعلق دانست نه به اراده پادشاه. به عقیده‌ی روسو «حاکمیت در اراده‌ی عمومی است، یعنی در اراده‌ای که خیر عمومی را اداره می‌کند. اراده‌ی عمومی قابل انتقال نیست، زیرا قدرت را می‌توان واگذار کرد، اما اراده را هرگز». (عالم، ۱۳۹۱: ۲۵۱-۲۵۲).

در کل حاکمیت دارای دو جنبه داخلی و خارجی است؛ در متون حقوقی آمده، جنبه خارجی حاکمیت همانند جنبه‌ی داخلی بسیار مهم است؛ عناصر سه‌گانه جمعیت، سرزمین و حکومت زمانی دولتی را شکل می‌دهند که عنصر چهارم آن یعنی حاکمیت دولت‌ها نیز رعایت شود. در واقع برجسته‌ترین ویژگی یک دولت حاکمیت یا استقلال آن است. پیش‌نویس «اعلامیه حقوق و تکالیف دولت‌ها» که در سال ۱۹۴۹ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده، استقلال را به عنوان اهلیت یک دولت برای تأمین رفاه و توسعه خود به دور از سلطه دیگر دولت‌ها، تعریف کرده است (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۱).

برابری حقوق دولت‌ها ایجاب می‌کند که هرگونه مداخله در امور داخلی دولت دیگر که باعث سلب حاکمیت و استقلال آن دولت می‌شود، انجام نپذیرد. از این منظر حاکمیت به مجموعه اختیاراتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در قلمرو داخلی خود نسبت به اشخاص و اموال اعمال می‌کنند. اصول سه‌گانه‌ی «استقلال»، «صلاحیت شخصی» و «صلاحیت سرزمینی» نیز دلالت بر حاکمیت دولت دارد. حاکمیت دولت‌ها اقتضا می‌کند که استقلال داخلی و خارجی آنها رعایت شود. به عبارت دیگر، مفهوم حاکمیت در آزادی عمل دولت‌ها در قلمرو داخلی خود و برقراری روابط و مناسبات برابر با سایر دولت‌ها معنا می‌یابد. صلاحیت شخصی دولت‌ها متضمن اجرای اختیارات دولت نسبت به اتباع خود در داخل و خارج سرزمین است. صلاحیت سرزمینی دولت نیز نسبت به کلیه اشخاص و اموال و فعالیت‌های واقع در سرزمین مربوطه می‌شود (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۳).

علاوه بر بعد داخلی و خارجی، حاکمیت دارای مولفه‌هایی است که می‌توان آنها به سه بخش تقسیم کرد:

- ۱- حاکمیت اقتصادی دولت ملی؛ این قسمت حاکمیت شامل حق مالیات‌بندی و توان دریافت مالیات و کنترل دولت بر نظام ملی و بانکی کشور از طریق بانک مرکزی است.
- ۲- حق حاکمیت نظامی دولت؛ که شامل انحصار استفاده از زور و استفاده از خشونت برای دفاع از موجودیت کشور است.

۳- حاکمیت سیاسی نیز شامل؛ الف) حق و توان کنترل و مراقبت بر قلمرو و فضای کشور به منظور متوقف ساختن مداخله‌ی دیگران در امور داخلی و دفع مراکز قدرت رقیب در داخل. ب) وضع و اجرای قانون با استقلال نسبی برای تنظیم روابط خارجی و داخلی شهروندان (استقلال قضایی) (صدوقی، ۱۳۸۲: ۶۸).

بنابراین، مفهوم حاکمیت از دیدگاه سنتی، قدرت برتر دولت در یک جامعه است، دولت دارای قدرت فرماندهی است، به گونه‌ای که هیچ قدرت دیگری نمی‌تواند مانع اجرای فعالیت آن باشد. به تعبیری صلاحیت همه‌ی امور به دولت باز می‌گردد. «بارزترین مشخصه حاکمیت، این است که یک دولت توانایی ورود به جنگ را داشته و در اجرای سیاست خارجی خود آزاد و مستقل باشد» (عسگرخانی و روستایی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

۲-۳-۲. نقدها و چالش‌های حاکمیت

یکی از اولین انتقادات به حاکمیت مطلق از جانب کثرت‌گرایان بین دو جنگ جهانی صورت پذیرفته است و معتقد بودند که دکترین سنتی حاکمیت این افسانه را ترویج می‌کند که دولت نماد اراده‌ی واحدی است، در حالی که جامعه از اراده‌های گوناگون تشکیل شده است (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۳). در همین زمینه فرانسیس کوکر عنوان داشته «نظریه‌های کثرت‌گرایانه دولت نظریاتی هستند که به دکترین سنتی حاکمیت دولت حمله می‌کنند» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۰).

نظریه‌ی حقوقی حاکمیت دولت به شدت مورد انتقاد کثرت‌گرایان است چراکه آنان مدعی بودند که این دیدگاه دارای شباهت‌های برجسته‌ای با رویکردی است که بعداً با نظریه واقع‌گرایی تداعی می‌شد گزارش تحریف شده و منسوخ از حیات سیاسی ارائه می‌داد (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۶). همانطور که بررسی گردید تا مدتی فیلسوفان اجتماعی و حقوقدانان معتقد به تفوق حاکمیت مطلق، هرگونه محدودیتی را برای آن امکان‌پذیر نمی‌دانستند. به عقیده‌ی آنان «حتی نمی‌توان قسمتی کوچک از حاکمیت ملی را از دست داد؛ زیرا حاکمیت ملی هم مانند تقوای فردی یا باید دست‌نخورده و کامل بماند و یا اگر دست خورد به طور همیشگی زایل شده است» (ارگانسکی، ۱۳۴۸: ۵۰۵).

عده دیگری از همین فیلسوفان و حقوقدانان که طرفدار سازمان‌های بین‌المللی هستند به این اصل اتکا می‌کنند که حاکمیت تجزیه‌بردار است و اگر ملتی قسمتی از حاکمیت خود را به این سازمان‌ها واگذار سازد، تصمیمی مشروع و قانونی از قدرت حاکمیت ملی است. عده‌ای دیگر نیز معتقدند با اوضاع و سازمان‌هایی که در جهان پدید آمده

است، دیگر حاکمیت ملی وجود ندارد؛ در حالی که منشور سازمان ملل به صراحت اعلام می‌کند که اعضا این سازمان از حاکمیت ملی برخوردارند (ارگانسکی، ۱۳۴۸: ۵۰۵-۵۰۶).

با توجه به نقطه نظرات ارگانسکی و دیگران لازم است به نقدهایی که مفهوم حاکمیت را هدف قرار داده‌اند، پرداخته شود. نقدهای مختلفی راجع به مفهوم حاکمیت سستی از طرف جریان غیر اصلی بیان شده، که می‌توان آن‌ها را به سه دسته اخلاقی، تحلیلی و تجربی تقسیم‌بندی کرد:

- حاکمیت یک مفهوم خطرناک است زیرا به نظر می‌رسد که قدرت بی‌قید و شرطی را به یک فرد یا گروه اعطا و بدین ترتیب حقوق فردی و جمعی دیگران را انکار می‌کند؛ چراکه اعطای قدرت برتر و قاهر به یک فرد یا گروه، اساساً عملی غیردموکراتیک است و راه را برای سوء استفاده از قدرت باز می‌کند. همچنین گفته شده این اصطلاح آن قدر نادقیق و مبهم است که باید آن را رها کرد (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

- کوبنده‌ترین انتقادات به حاکمیت همان انتقادات تجربی است که در واقع ترکیبی از عناصر هنجاری و تحلیلی است. این سخن که حاکمیت در دنیای نو بیش از این موضوعیت خود را از دست داده و به شکل‌های مختلف بیان می‌شود، نخست، ادعا می‌شود که دیگر نمی‌توان یک منبع واحد قدرت را در یک نظام سیاسی پیچیده، به طور دقیق مشخص کرد. در تشکیلات دولت مدرن، اقتدار بین تعدادی از نهادها که مسئول تصمیم‌گیری هستند، تقسیم شده است. اگر زمانی یک سلطان حاکم وجود داشته است، مسلماً دیگر وجود ندارد. این انتقاد، فقط به تفکیک رسمی قوا در درون دولت مدرن بر نمی‌گردد بلکه به رشد سازمان‌های دولتی، مؤسسات شبه دولتی و انجمن‌های غیردولتی در جامعه سیاسی جدید نیز عنایت دارد. وضع قوانین و نظارت بر آن نمی‌تواند فقط به یک قدرت افسانه‌ای محدود باشد (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۵).

از نظر پسااستارگرایانی نظیر اشلی و واکر، مفهوم حاکمیت که عنصر محوری روابط بین‌الملل بوده دچار مسأله و تزلزل گشته است. دیگر حاکمیت موضوع محوری جهان امروز نیست و دولت‌های برخوردار از حاکمیت مهمترین موضوع و بازیگران جهان امروز نیستند. امروزه موضوعات بسیاری مطرح‌اند و نقشی اساسی در زندگی بین‌المللی یافته‌اند که حاکمیت نقشی در آن ندارد (سلیمی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). با این توضیح که حاکمیت یک برساخته‌ی مدرن است که با توسل به «رویه‌های قهرمانی» شکل گرفته است. حاکم مدرن نمونه‌ی یک شخصیت عام از انسان خردورزی است که در تاریخ

جای گرفته و باید با محدودیت‌های تاریخی خود مقابله کند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۷۱). لذا دیگر با اتکاء به این مفهوم نمی‌توان به توضیح و تبیین تمامی پدیده‌ها دست یافت. به نوشته اشلی و واکر:

"یک نگاه سطحی و دست و پا شکسته به آنچه امروز مورد علاقه‌ی دانشجویان روابط بین‌الملل است، گویای این مسأله است. ماهواره‌های مراقبتی، بین‌المللی شدن تولید، همگرایی سرمایه و بازار کامپیوتر، جنگ ستارگان، کارگران مهاجر، نهضت‌های ماورای ملی، حقوق بشر و محیط زیست، جنگ‌های عمومی، عمومی شدن مؤسسات خصوصی، اکثریت خاموش، زوال مناطق «دانش اختصاصی محرمانه» در رژیم‌های تروریستی، جنگ‌های مواد مخدر، ارتباطات در حال گسترش، نفوذ رسانه‌ها، ویدئو و سینما، و...".

اینها مباحثی خارج از گفتمان حاکمیت هستند. در گفتمان حاکمیت پاسخ‌های قابل قبولی برای این مسائل نیست و اینها مسائلی هستند که در حاشیه تلقی می‌شدند (سلیمی، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

برداشت سازه‌انگاران از مفهوم حاکمیت، کنشگران بین‌المللی و جامعه دولت‌ها از مهمترین زمینه‌ها برای توضیح تغییرات بنیادین در روابط بین‌الملل است. از این میان خصوصیت «برساخته» برجسته در نظام بین‌الملل «حاکمیت» است که بنیادی‌ترین نهاد در جامعه بین‌الملل محسوب می‌شود و بنیان قوام بخش دولت است. طبق این دیدگاه، حاکمیت مفهومی «اجتماعی» است و یک بعد بسیار روشن برساختگی آن، جنبه شناسایی است. اما سایر ابعاد یعنی جمعیت، سرزمین و اقتدار نیز برساخته‌اند. به بیان بیرزتکر و وبر: "نظام مدرن دولتی مبتنی بر یک اصل فرامرزی حاکمیت نیست. مبتنی است بر تولید برداشت‌های هنجاری که این ابعاد را به شکل منحصر به فردی در پیوند با هم قرار می‌دهد." این نیز حاصل کار دیپلمات‌ها، دولتمردان و روشنفکران بوده است: "آرمان حاکمیت دولت محصول اقدامات کارگزاران قوی و مقاومت در برابر آن از سوی کسانی است که در حاشیه قرار داشته‌اند." (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۶-۳۵۸).

از این منظر حاکمیت مجموعه‌ای از رویه‌هاست و شناسایی که مفهوم حاکمیت به آن گره خورده است. به عنوان نمونه، امتناع برخی از دولت‌ها از مداخله در جنگ‌های داخلی سایر دولت‌ها از رویه‌هایی است که به تعریف معنای حاکمیت کمک می‌کند. حاکمیت در کنار سایر نهادها و گفتمان‌ها (که گاه در تضاد با حاکمیت هم هستند مانند منطقه‌گرایی) نقش‌هایی به دولت‌ها تخصیص می‌دهد. در تعامل دولت‌ها با هم و در

تعامل دولت‌ها با جامعه بین‌المللی است که معنای حاکمیت تغییر می‌کند. لذا اگر دولت، حاکمیت و جامعه بین‌الملل برساخته‌هایی اجتماعی، بین‌ذهنی و تاریخی‌اند که در شرایط خاصی به وجود آمده و مستمراً تغییر معنا می‌دهند، ما در واقع با تغییری مستمر در روابط بین‌الملل سر و کار داریم (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۸-۳۵۹).

مفهوم حاکمیت در کنار این نقدهای کوبنده، از جوانب گوناگون با چالش‌هایی مواجه گردیده است؛ این جنبه‌های چالشی با بروز و ظهور شرکت‌های چندملیتی، دغدغه‌های زیست محیطی، سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم، مواد مخدر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، خلع سلاح، جهانی شدن و از همه مهمتر فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته شدت یافت و این مفهوم را مورد دگرگونی و تحول قرار داده‌اند؛ چراکه موارد مذکور و مثال‌هایی از این دست، فعالیت‌ها و نیروهایی هستند که از مرزها می‌گذرند و دیدگاه‌های قدیمی مربوط به دولت‌های حاکم مستقل که دارای کنترل کامل در مرزهای خود هستند را زیر سوال می‌برند. مثلاً توسعه هنجارهای مربوط به حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به عنوان نقض حاکمیت محسوب می‌شود، زیرا که اصل عدم مداخله، یعنی حق دولت‌ها جهت حکومت بر شهروندان خود و جدا از مداخله خارجی را به چالش می‌کشاند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۰: ۳۳۸-۳۳۹).

توضیح بیشتر اینکه شرایط سیاسی پدید آمده، پس از جنگ دوم جهانی، کمک مؤثری به بین‌المللی شدن نظام سرمایه‌داری و تکوین شرکت‌های چند ملیتی کرد. به گونه‌ای که علیرغم دستیابی مستعمرات به استقلال سیاسی، گسترده‌گی روابط بین‌المللی و بین‌المللی شدن زندگی اقتصادی ملت‌ها که تشدید وابستگی را به دنبال داشت؛ از یک سو تکامل نظام سرمایه‌داری در تکوین شرکت‌های چند ملیتی متجلی گردید و از سوی دیگر، شرایطی متفاوت از دوران سابق به وجود آورد که سلطه چند ملیتی‌ها را جایگزین حاکمیت کلاسیک دولت‌های استعماری سابق بر ملل تحت سلطه نمود. در نتیجه حاکمیت دولت‌های جهان سوم تحت تأثیر عناصر فراملی قرار گرفت (معصوم‌زاده کیائی، ۱۳۷۹: ۱۲۲). به عبارت دیگر، نیروهای جهانی بازار نظیر شرکت‌های چند ملیتی بسیار ساده‌تر در مرزها نفوذ می‌کنند و بر اقتصاد ملی به طور بی‌سابقه‌ای تأثیر می‌گذارند.

محدودیت دیگر حاکمیت دولت‌ها، موضوع دستیابی آنها به امکانات تسلیحاتی است. توسعه حقوق بین‌الملل در زمینه خلع سلاح این محدودیت را برای دولت‌ها بوجود آورده است در واقع از مقطعی که سلاح‌های کشتار جمعی اختراع شد این بحث مطرح

شد که باید با معاهدات و کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی، تولید سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده از آنها را محدود کرد. به عبارتی، با توسعه و گسترش حقوق بین‌الملل اعمال حاکمیت در بعد خارجی (حاکمیت دولت‌ها) و بعد داخلی (حاکمیت در دولت) از اراده مطلق دولت‌ها خارج شده و تابع اراده مشترک دولت‌ها و سایر کنشگران بین‌المللی، نهادهای مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی و افکار عمومی و مجموعه‌ای از اصول، هنجارها و الزامات وابستگی متقابل کشورها قرار گرفته است (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۶۴-۳۶۵).

مباحث حقوق بشری نیز در جهت تحدید حاکمیت دولت‌ها در جریان است؛ سازمان ملل در طول عمر ۵۰ ساله خود قریب به یکصد اعلامیه، بیانیه، میثاق، کنوانسیون، پروتکل و قطعنامه را در موضوع‌های مختلف مربوط به حقوق بشر صادر کرده است. اهمیت حقوق بشر و قواعد مرتبط با آن تا آنجا افزایش یافته که در زمره قواعد آمره قرار گرفته است. حقوق بشر و ضرورت حمایت از فرد تا بدان اندازه گسترش یافته که به عقیده برخی در موارد نقض فاحش آن حتی می‌توان به زور و قدرت نظامی متوسل شد. بنابراین، اگر دولتی در زمینه نقض حقوق بشر به نقض فاحش حقوق بشر دست‌بزند، جنگ علیه او مجاز خواهد بود. در ماجرای کوزوو بر همین قواعد حقوق بشر استناد شد و عملیات نظامی انجام گرفت. بنابراین این قواعد و مقررات مرتب در حال تکمیل و توسعه است تا جایی که به تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی منتهی گردید. در نتیجه، جامعه بین‌المللی قدم به قدم در زمینه حقوق بشر پیش می‌رود و ممکن است بسیاری از دولت‌ها و حکومت‌ها به‌ویژه کشورهای جهان سوم در این زمینه دچار مشکل شده و حاکمیت ملی آنان تضعیف شود (روحانی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۶).

مهمترین و اساسی‌ترین جنبه‌ای که مفهوم حاکمیت را با چالش مواجه ساخته، همان فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته است؛ چراکه واقعیت آن است که حاصل فناوری، تغییر است. اگرچه، فناوری تغییر را به صورت جبرگرایانه تعیین نمی‌کند و پیامدهای شبکه‌ای شدن بر دولت‌ها، تجارت و سازمان‌های بین‌المللی فراتر از هر منطق جبرگرایانه‌ی فناوریانه است. با وجود این، پرداختن به دو تحول در فهم چگونگی ظهور شبکه‌هایی که در نتیجه‌ی تغییرات فناوریانه جایگزین شکل‌های سازمانی قبلی شده‌اند، مهم است: دیجیتالی شدن و کاهش هزینه‌های جانبی تولید و تجارت (Rosenau and Singh, 2002: 3).

فناوری‌های دیجیتال، شیوه‌ی سازماندهی صنایع اطلاعاتی را تغییر داده‌اند. این فناوری‌ها پیش از این صنایع مجزایی را که در اختیار یک یا چند شرکت بود، در بر می‌گرفتند، درحالی‌که در وضعیت جدید شاهره‌های اطلاعاتی، بسیاری از صنایع را از طریق شکل دادن به کابل‌های فیبر نوری و ارسال پیام با هزینه‌ی کم و سرعت زیاد به هم پیوند داده است. دومین ویژگی مهم فناوری، نوآوری‌هایی است که در چارچوب آن‌ها هزینه‌ی هر واحد تولیدی بسیار کاهش یافته است. کاهش هزینه‌ها، گسترش و تعمیق شبکه‌ها را با نرخ رشد بسیار بالا تحقق بخشیده است (Rosenau and Singh, 2002: 4-5).

بنابراین پدیدار شدن شبکه‌های اطلاعاتی الگوهای حکمرانی را به سه شیوه متأثر ساخته است: اولاً دیگر تنها دولت‌ها کنشگران موضوعات فناورانه در سطح جهانی نیستند (تکثیر اقتدار)؛ ثانیاً وضعیت جدید بیشتر شبیه یک تکثیر فناورانه است تا یک نظم فناورانه؛ و ثالثاً شکل‌گیری شبکه‌های وفاداری در سطح جهانی، مانند گروه‌های حاشیه‌ای، تروریستی و جنبش‌ها، به نادیده گرفتن مراکز سنتی مشروعیت و اقتدار انجامیده است (Rosenau and Singh, 2002: 18-19).

به طور خلاصه، از نگاه این دورنمای کلی، فناوری‌ها با تسهیل شکل‌های نامتعارف جنگ و خشونت، به ویژه از سوی بازیگران غیردولتی و تروریست‌ها، تهدیدی علیه [حاکمیت] دولت‌ها محسوب می‌شود. تهدید دیگر این فناوری‌ها سلب قدرت کنترل دولت بر جریان‌های اطلاعاتی به داخل و خارج کشور و در این خصوص هدف اصلی، تأمین امنیت دولت یا حاکمیت است. راهکارهای به‌کار گرفته‌شده، از تلاش در جهت ایجاد دیوارهای محافظتی ملی که از طریق پایانه‌های دولتی ارتباط اینترنتی را فیلتر می‌کنند (در چین) تا اعمال فشار بر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و شهروندان برای کاهش دسترسی به اطلاعات (در سنگاپور) و ایجاد فناوری‌های رمزگذاری (Key Escrow) (در ایالات متحده) در نوسان هستند. نظم جهانی حاصل از این دورنمای کلی نیز نظامی از دولت‌های دارای حاکمیت است (Rosenau and Singh, 2002: 125).

نقدهایی نیز به تاثیر فناوری اطلاعات بر مفهوم حاکمیت وارد شده، گروهی استدلال‌شان به اینگونه است که علیرغم این عقیده عمومی که فناوری اطلاعات تهدیداتی را متوجه حاکمیت کشورها می‌کند، با یک نگاه دقیق‌تر به این نتیجه می‌رسیم که فناوری اطلاعات نه تنها حاکمیت دولت‌ها را تهدید نمی‌کند بلکه آن را تقویت نیز می‌نماید زیرا می‌تواند قدرت نظارت و شنود بر شهروندان را افزایش داده و با رصد

کردن فعالیت مخالفان افکار عمومی را هدایت نماید. علاوه بر آن فناوری اطلاعات می‌تواند باعث تقویت اجرای قانون و نظم و حفظ امنیت ملی گردد (Diouma, 2000: iv). این گروه معتقدند؛ نظریه «اینترنت تهدیدی برای حاکمیت» از دیدگاه واقع‌گرایانه برگرفته شده است. از نظر دیدگاه مذکور اینترنت یک تکنیک تهدید کننده است اما این مشکل ربطی به اینترنت ندارد بلکه برخاسته از دیدگاه واقع‌گرایانه به اینترنت است. اما دیدگاه لیبرالیسم در روابط بین‌الملل برای پرداختن به اینترنت و تأثیر آن بر حاکمیت ملی و جهانی بسی بهتر از واقع‌گرایانه است زیرا لیبرالیسم به تحقیق در زیر پوسته دولت‌ها پرداخته و بر این اساس استوار است که روابط بین‌الملل تحت تأثیر پدیده‌های سیاسی داخلی و تعامل بازیگران غیردولتی فرامرزی قرار دارد (Perritt, 1998: 3-4).

۴. تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته بر تحول مفهوم حاکمیت

با توضیح دو بخش قبلی و آنچه گذشت، می‌توان حدس زد که فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته تا چه حد می‌تواند بر مفهوم حاکمیت تأثیر گذار باشد. به گونه‌ای که همیشه عقیده بر این بوده است که این فناوری‌ها قدرت حاکمیت را می‌فرساید. این عقیده حداقل از زمان جیمز اول در انگلستان وجود داشته یعنی زمانی که گسترش مطبوعات زنگ خطر را برای کلیسا و تاج و تخت به صدا درآورد و نظم سیاسی کهن به وسیله عقاید جدید به چالش کشیده شد. بعدها گسترش رادیو تلگراف و تلفن و تلویزیون نیز به مواجهه با حاکمان برخاستند و تهدیداتی را متوجه وضعیت سنتی کردند. اینترنت نیز به این رویه افزون گشت و ماهیت سیاست موجود را در دولت‌ها نشانه گرفت (Perritt, 1998: 4). این فناوری‌ها از ویژگی‌هایی برخوردارند که حاکمیت را تحت تأثیر قرار داده و باعث تحول در آن شده‌اند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات با شرایطی که ایجاد کرده، تأثیرات تحولی خود را بر حاکمیت اعمال کرده است؛ از این رو، در اینجا به تعدادی از این موارد اشاره می‌گردد که باعث تحول در مفهوم حاکمیت شده است:

۴-۱. افزایش شمار کنشگران

در اثر گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، افزایش شمار کنشگران غیردولتی در عرصه جهانی در طول دو دهه اخیر در قیاس با افزایش شمار کنشگران دولتی به مراتب پرشتاب‌تر بوده است؛ به نحوی که آنها تمامی سطوح فروملی، ملی و فراملی امنیت را

در نوردیده‌اند. این وضعیت به دلیل ویژگی‌های مشترک فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با کنشگران غیردولتی است که زمینه فعالیت چنین کنشگرانی را فراهم آورده است؛ سازمان‌های غیردولتی در فعالیت بین‌المللی خود، فعالیت‌هایشان را از الزامات حاکمیت رهانیده‌اند، مرزهای دولتی را در می‌نوردند، شبکه‌ای عمل می‌کنند و سرزمین بنیاد نیستند. با افزایش شمار کنشگران غیردولتی در هر دو عرصه واقعی و مجازی امنیت جهانی، نظام بین‌المللی به عنوان محیط کنشگران بیش از پیش از حالت نظام و ستفالیایی خارج شده و به قول بسیاری از صاحب‌نظران به نظام پسا بین‌الملل گراییده است (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

۴-۲. سست بنیاد کردن مهار حکومت بر اطلاعات

از دیگر آثار فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه بر افزایش کنشگران، سست بنیاد گرداندن مهار حکومت بر اطلاعات است. به عبارت دیگر نقش اصلی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، دور زدن نگهبانان حکومتی اطلاعات است. به قولی حاکمیت، چه از نظر ابعاد رسمی - حقوقی یا سیاسی و چه در ابعاد داخلی یا خارجی، تحت تأثیر توسعه و عملکرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است و این اثر برای دولت‌ها در همه سطوح سلسله مراتب قدرت جهانی وجود دارد. چنین می‌نماید که این فناوری‌ها سبب می‌شود مرزهای رسمی - حقوقی دیگر به طور محکم قابل دفاع نباشند و نفوذپذیر گردند. انواع داده‌ها از بین مرزها و از فراز و از طریق آنها عبور می‌کنند به گونه‌ای که اصلاً مرزی وجود ندارد. به عبارت دیگر، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با وحدت مکانی به عنوان سنگ بنا با مفهوم حاکمیت در ستیز است (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

۴-۳. ایجاد جامعه مجازی

تکنولوژی اطلاعات با ایجاد جامعه مجازی در داخل شبکه‌های الکترونیکی موجب تضعیف کنترل و مراقبت دولت ملی بر فضا و قلمرو کشور می‌شود. می‌توان گفت که در حقیقت شاهد شکل‌گیری مرزهای سایبرنتیک هستیم. مرزهای نامتمرکزی که دولت‌ها به عنوان ساختی متمرکز، قادر به کنترل آنها نیستند. مخدوش شدن مرزهای ملی، موجب مغشوش شدن تعریف شهروندی می‌شود. فقدان مواضع مشخص و آشکار

برای قدرت، به سست شدن کنترل اجتماعی و گسترش چالش‌های سیاسی می‌انجامد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۷۳).

شبکه اجتماعی مجازی (۲) اینگونه تعریف می‌شود: "خدمات مبتنی بر وب که به افراد اجازه ساختن پروفایلی عمومی یا نیمه عمومی درون سیستمی محدود شده، بیان فهرستی از سایر کاربران که با آنها در ارتباط هستند، مشاهده و گذر از فهرست کسانی که با آنها در ارتباط است و سایرین را می‌دهد." شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه سایتی است برای کاربرانی که دوست دارند علایق، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند (انصاری و عطار، ۱۳۹۲: ۱۸). هر شبکه‌ی اجتماعی مجازی، یک ساختار اجتماعی است و متشکل از کانون‌هایی است که شامل افراد یا سازمان‌ها می‌شود. در یک شبکه‌ی اجتماعی، سلسله مراتب عمودی وجود ندارد و تنها عامل مهم، افرادی هستند که در این گراف به هم پیوسته و به دیگران مرتبط هستند. هم‌اکنون سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، بعد از پرتال‌های بزرگی مثل یاهو یا ام.اس.ان (MSN) و موتورهای جستجو مثل گوگل، تبدیل به پراستفاده‌ترین خدمات اینترنتی شده‌اند (رهبر و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۸).

همانطور که اشاره گردید، از مهم‌ترین کاربرد شبکه‌های اطلاعاتی، ایجاد جامعه مجازی است. جامعه مجازی که برای اولین بار توسط «رینگولد» (Ringgold) مطرح شد، حامل شبکه‌هایی از روابط شخصی و اجتماعی در «فضای سایبر» (Cyberspace) توسط افراد است. این جوامع برای اهداف متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره ایجاد می‌شود و باعث شکل‌گیری گفتمان‌های خاصی در میان افراد متشکل آن می‌شود. این جوامع ضرورتاً ساختار فیزیکی در جهان واقعی ندارند و فاقد اقتدار مرکزی‌اند. جوامع مجازی با برداشتن فاصله‌ها و زمان توانایی تغییر اعتقاد افراد را دارا هستند به گونه‌ای دولت‌ها نیز قادر به کنترل این جوامع نیستند.

این جوامع می‌توانند از جنبه‌های گوناگون، توانایی دولت‌ها را به چالش بکشند. البته مفهوم جامعه‌ی اطلاعاتی با مفهوم جامعه توده‌وار به کلی متفاوت است و از برخی جهات حتی با آن در تضاد است. در حالی که جامعه توده‌وار بر ارتباطات یک سویه تأکید دارد، جامعه اطلاعاتی به رابطه‌ی دوسویه اهمیت می‌دهد و متمایل به گسترش و علایق چندگانه و متعدد است (عسگرخانی و روستایی ۱۳۸۹: ۲۴۸). همانطوری که جوزف نای بیان می‌کند که سیاست در عصر اطلاعات ممکن است در نهایت مربوط به کسانی باشد که حرفشان پذیرفته می‌شود (نای، ۱۳۸۶: ۱۱۴). پس افراد تشکیل دهنده‌ی

شبکه‌های مجازی می‌توانند با قدرتی که فناوری اطلاعات پیشرفته به آنها داده، حاکمیت سنتی دولت را به خطر اندازند.

۴-۴. تولید نرم‌افزارهای مکان‌نما

از دیگر تأثیرات تحولی فناوری اطلاعات، ایجاد نرم‌افزارهایی مکان‌نمایی نظیر «گوگل ارث» (Google Earth) است که می‌تواند مرزها را به سرعت در نوردید و حاکمیت کشورها را نقض کند به گونه‌ای که گوگل به این صورت این نرم‌افزار را تبلیغ کرده که «سفری مجازی به هر نقطه‌ای از جهان داشته باشید. ساختمان‌های سه بعدی، تصاویر و پستی بلندی‌های زمین را کاوش کنید. شهرها، مکان‌ها و کسب و کارهای محلی را پیدا کنید» (گوگل، ۱۳۹۲).

وقتی یک موسسه از رسانه‌های نوین مانند گوگل ارث به کاربران اجازه می‌دهد که بر روی مکان‌های مختلفی در سراسر جهان زوم کنند. دولت‌ها آن را تهدیدی برای یکپارچگی سرزمینی خود دانسته زیرا این نرم‌افزار به کاربران اجازه می‌دهد تصاویر واضحی از مکان‌هایی که احتمال هدف قرار گرفتن دارند را به دست آورند. گوگل درخواست‌های مکرر حکومت‌ها در این زمینه نادیده گرفته و آنان نیز حربه‌ای قانونی تکنیکی یا دیپلماتیک برای مقابله با گوگل در دست ندارند و این همان چالشی است که رسانه‌های جدید تحمیل می‌کنند.

آسیب‌پذیری دولت‌ها در حوزه‌ی آنلاین نشان دهنده آن است که اینترنت محل منازعه جهانی بوده و میدان نبرد امنیتی و ملی می‌باشد. اتصال ماهواره به اینترنت مانند گوگل ارث بعد کاملاً جدیدی به جاسوسی جهانی بخشیده و دریافت تصاویر آنلاین هر کامپیوتری را به ابزاری برای دسترسی به مکان‌های طبقه‌بندی شده یک کشور نموده است (Kumar, 2010: 3-7).

به عنوان مثال در اینجا می‌توان به مناقشه بین گوگل و دولت هند اشاره کرد؛ نشریه تایم هند در بیست و هفتم سپتامبر ۲۰۰۵ گزارش داد که تصاویر بسیار واضحی از تاسیسات امنیتی هند مانند اقامتگاه رئیس‌جمهور، پارلمان و مقر نخست‌وزیری و پایگاه شکاری پالم در دهلی از طریق گوگل ارث بر روی اینترنت قابل دسترس هستند و چند روز بعد رییس‌جمهور وقت هند در این خصوص ابراز نگرانی کرده و در نتیجه بین هندوستان و گوگل مناقشه‌ای در گرفت که یک سال و نیم طول کشید. اما استفاده از کانال‌های دیپلماتیک مانند سفارتخانه برای تعامل با یک بازیگر غیر دولتی مانند گوگل

چندان اثر بخش نبود و بیانیه وزیر هندی نشان داد که سفارتخانه هند در واشنگتن اهرم‌های قانونی ناچیزی برای مقابله با گوگل در اختیار دارد (Kumar, 2010: 10).

۴-۵. عدم تمرکز آگاهی و برهم زدن رابطه شهروندی

درباره حاکمیت سیاسی نیز، گفته می‌شود فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عدم تمرکز آگاهی انجامیده است که به نوبه خود تمرکز قدرت در درون اکثر دولت‌ها را، اگر ناممکن نسازد، مشکل می‌گرداند. بر این اساس در واقع فضای مجازی ادعای دولت در این مورد را به چالش می‌کشد که قادر است رابطه‌ای قطعی و الزام‌آور میان شهروندان و یک سرزمین مشخص به وجود آورد. این تهدید نسبت به رابطه شهروند با سرزمین را دولت دیگری به وجود نیاورده بلکه ناشی از خود فضای مجازی بوده است. به علاوه دولت‌های ملی ظرفیت محدودی برای مهار مراودات اقتصادی دارند که متضمن استفاده از کالاها و خدمات فناوری اطلاعات هستند؛ با این توضیح که منشأ مفهوم حاکمیت تا حد زیادی به نیاز برای حمایت از فضای اقتصادی هر دولت ارتباط دارد، فرسایش حاکمیت اقتصادی به حرکت درآمده بر اثر فناوری اطلاعات می‌تواند مفهوم همه‌جانبه حاکمیت را تهدید کند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۶).

۴-۶. دسترسی ارزان فناوری اطلاعات

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از جهی دیگر نیز می‌تواند بر مفهوم حاکمیت اثر بگذارد. در دسترس بودن فناوری ارزان و سریع ارتباطات سازمان‌دهی به سیاست‌گذاری عمومی و اثر گذاشتن به آن را برای سازمان‌های غیردولتی فراملی آسان‌تر ساخته است. این سازمان‌ها تردیدهایی را در مورد حاکمیت به وجود می‌آورند، زیرا به نظر می‌رسد یکپارچگی تصمیم‌گیری داخلی را مورد تهدید قرار می‌دهند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

۴-۷. جهانی شدن و فناوری اطلاعات و حاکمیت

بررسی نتایج جهانی شدن کاسته شدن از اهمیت مفهوم حاکمیت در بعد خارجی را نشان می‌دهد. شبکه‌های صنفی جهانی، با ایجاد تغییر در فضای روابط میان بخش‌های عمومی و خصوصی، چالش‌هایی برای حاکمیت دولت به وجود می‌آورند. با سست بنیاد شدن حاکمیت داخلی، دولت‌ها دیگر انحصار قدرت مشروع در سرزمین خود را

ندارند. به طور کلی گفته می‌شود، جهانی شدن سبب شده که فناوری اطلاعات از دو جهت حاکمیت دولت را به فرسایش بکشاند. نخست، جهانی ساختن واژه‌ها و تصورها که ماهواره‌ها و اینترنت پخش می‌کنند، از توانایی دولت برای مهار کردن اطلاعات در درون سرزمین خود می‌کاهد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای سرعت بخشیدن به انتشار اطلاعات در سراسر جهان، مورد استفاده قرار می‌گیرد و این وضع توانایی دولت را از یک سطح فراملی دچار فرسودگی می‌سازد. به عبارت دیگر پیشرفت واژگان جهانی با کاهش احترام به اصل حاکمیت ملی همراه است (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۳۹-۲۴۵). تاثیر جهانی شدن بر مفهوم حاکمیت به اندازه‌ای بوده که عده‌ای نظیر کوفی عنان دبیرکل پیشین سازمان ملل معتقدند که حاکمیت دولت‌ها در اساسی‌ترین شکل خود بر اثر پدیده جهانی شدن نیازمند تعریف دوباره است (Annan, 1999: the Economist).

در نهایت باید در مورد این تاثیرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته بر حاکمیت قائل به تمییز بین دو نوع حاکمیت گردید:

حاکمیت قانونی (Constitutional sovereignty): قدرت قانونی و تقدم حکومت‌های ملی در قلمرو سلطه‌ی خود

حاکمیت عملیاتی (Operational Sovereignty): توانایی حکومت‌ها برای اعمال کنترل موثر در قلمرو سلطه‌ی خود

حاکمیت قانونی به وسیله انقلاب اطلاعاتی کمتر به چالش کشیده می‌شود اما حاکمیت عملیاتی هم از لحاظ تکنیکی و هم از لحاظ هزینه به چالش کشیده می‌شود. طبق تحقیقات علمی در خصوص تأثیر انقلاب اطلاعاتی بر سیاست ملی و بین‌الملل همواره بر اساس روش سیاه و سفید عمل کرده یعنی یا یک دولت در حال از بین رفتن بوده یا بر عکس به قدرت سابق خود باقی است اما وضعیت واقعا اینگونه نبوده و غالباً حالتی بینابین در پیش‌رو بوده و از دولتی به دولت دیگر اوضاع تفاوت می‌کند (Drake and Bracken, 2000: 19-20).

در مجموع باید اذعان داشت که فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، نهادهای سنتی سیاسی را تهدید نموده و قدرت آن‌ها را کاهش می‌دهند، هرچند اثر این فناوری‌ها بر حکومت‌های لیبرال دموکرات و غیر لیبرال یکسان نبوده است. بر این اساس لازم است برخلاف معیارهای روابط بین‌الملل واقع‌گرایانه نگاهی به زیر پوسته رسمی و مفاهیم انتزاعی از دولت و حاکمیت انداخت؛ فناوری‌های اطلاعاتی جدید حاکمیت‌هایی را تهدید می‌کند که بسیار متکی به کنترل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم خویشند. در

جوامعی که قدرت بین حکومت و شهروندان توزیع شده است فناوری‌های اطلاعاتی جدید نمی‌توانند تهدیدات یکسانی را متوجه حاکمیت نمایند.

۵. نتیجه‌گیری

به گونه‌ای که ملاحظه گردید، فن‌آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات با ویژگی‌های منحصر به فرد خود نظیر شتاب بالا، کنترل‌ناپذیری، قاعده‌گریزی، بدیع بودن، کاهش فاصله‌های زمانی - مکانی و افزایش کنشگران در سطح جهانی باعث گردیده ابزارهایی در اختیار کنشگرانی غیر از دولت‌ها قرار گیرد که قبلاً مختص دولت‌ها و در محدوده‌ی حاکمیتی آن‌ها بود. در نتیجه‌ی این تحولات حکومت‌های ملی دیگر قادر نیستند رد و بدل شدن اطلاعات را بر فراز مرزهای خود کنترل کنند و فناوری‌ها با کوچک کردن دنیا در حال قدرت دادن به کنشگران جدیدی نظیر افراد، گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌هایی هستند تا آنها را به عنوان الگوهای جدید اقتدار در برابر دولت‌ها ظاهر سازند.

تحولات در جهان فناوری به گونه‌ای بوده که فرادولت‌گرایان معتقدند که تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات با انتقال قدرت از دولت - ملت به بازیگران غیر دولتی فراملی و فروملی، موجب تغییر ساختار قدرت میان دولت‌ها و بازیگران دیگر می‌شوند. این فناوری‌ها بازیگران جدیدی را در قدرت شریک کرده و باعث ورود خلل در جنبه غیر قابل تقسیم بودن مفهوم حاکمیت سنتی شده است.

تکنولوژی‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین استعداد تقسیم جامعه در عرض مرزهای جدید را دارند، محدوده‌ای که فاقد رأس و مرکز است، اما دارای گلوگاه‌های متعددی است که در آنجا مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها برای اهداف مشترک با هم در تعاملند. این فن‌آوری‌ها با کاهش هزینه‌ی ارتباط و ایجاد پیوند و هماهنگی میان فضاهای اختصاصی کاربران، باعث می‌شوند شبکه‌های غیرمتمرکز بر دیگر اشکال سازمانی برتری یابند. در این شبکه‌ها، افراد و گروه‌ها بدون حضور فیزیکی یا ساخت نهادی برای اقدام مشترک به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این شبکه‌ها حاکمیت دولت - ملت را در قلمرو کشور مورد تهدید قرار داده و دولت‌های ملی را با چالش‌های فراوانی مواجه می‌سازند.

در مجموع حاکمیت از معنای قدرت بلامنازع و عدم پاسخگویی سنتی خود جدا شده و در حال حرکت به سمت «مسئولیت‌پذیری» است که این مورد را در نقض حاکمیت کشورهایایی که حکومت‌شان قادر به حمایت و پاسخگویی در برابر اتباعشان نیستند، می‌توان مشاهده کرد؛ چراکه مسئولیت حمایت (Responsibility to Protect)، بیان

می‌دارد که حاکمیت نه یک امتیاز، بلکه یک «مسئولیت» است که رهبران نسبت به آحاد مردم باید دارا باشند و رهبرانی که مشروعیت خود را از مردم اخذ کرده‌اند و نماد حاکمیتند تا زمانی مسئولیت‌پذیر و پاسخگو هستند، حاکمیت آنها مورد احترام و غیر قابل مداخله است. به گونه‌ای می‌توان گفت معنای حاکمیت با مسئولیت ممزوج شده است.

پی‌نوشت

۱. توضیح بیشتر:

وب ۱: HTML

وب ۲: HTML و CSS و جاوا اسکریپت و Ajax و DHTML و JSON

وب ۳: XML و WSDL و SOAP و XSLT و XQuery و ...

۲. در علم کامپیوتر، شبکه اینگونه تعریف شده است: "سیستم ارتباطی بین کامپیوترها که امکان به اشتراک گذاشتن نرم‌افزارهای کاربردی را فراهم می‌آورد. شبکه محیطی است که کاربران مختلف می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و داده‌ها را به یکدیگر انتقال دهند یا از هم دریافت نمایند." تعریفی موسع از واژه‌ی اجتماعی نیز عبارت است از: "بیان وجود ارتباطات میان اشخاص زنده." (انصاری و عطار، ۱۳۹۲: ۱۱۸). این تعریف مرتبط با زندگی افراد در جامعه، ارزش‌ها، معیارها و رفتار افراد و مطالعه روند تعامل میان افراد و گروه‌ها که سازگاری با جامعه، توسعه فرهنگی و بهبود شرایط اجتماعی را تسهیل می‌بخشد. منظور از مجازی، «هر نوع ارتباطی است که با زبان رایانه انجام شود» (انصاری و عطار، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

۳. در این خصوص گفته شده یک سال اینترنتی برابر با یک هفته تقویمی است (بلیس و اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۱۸۹).

۴. وینسنت معتقد است مفهوم نظری در قرون وسطی در قالب «نظریه الهی» شکل گرفت بدین معنی که پایه قدرت سیاسی و اعمال حاکمیت انحصاراً در اختیار ارباب کلیسا بود و گستره جغرافیایی آن شامل همه سرزمین‌های مومنان مسیحی بود. ولی جنگ‌های سی ساله ۱۶۴۸ – ۱۶۱۸ میلادی و متعاقب آن پیمان وستفاليا در ۱۶۴۸ موجب سستی در این اندیشه گردید، در نتیجه حاکمیت از دین به دولت انتقال یافت و مرزهای جغرافیایی تثبیت گردید (وینسنت، ۱۳۷۱: ۸۸).

منابع

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۰). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، نشر الکترونیک.

ارگانسکی، ا.ف.ک (۱۳۴۸). سیاست جهان، ترجمه حسین فرهودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. اسلامی، محسن (۱۳۸۱). «تکنولوژی اطلاعات - IT - امنیت جمهوری اسلامی: تهدید یا فرصت»، مطالعات دفاعی و امنیتی، زمستان، شماره ۳۳، صص ۱۲۵-۱۴۴.

اسلامی، محسن (۱۳۸۱). «تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۷۶-۱۷۵، صص ۷۸-۸۹.

اشمیت، برایان سی (۱۳۹۰). «آنارشی، سیاست جهانی و تولد رشته: روابط بین الملل آمریکایی، نظریه کثرت‌گرا و افسانه‌ی آرمان‌گرایی بین دو جنگ» در کتاب نظریه‌ی روابط بین الملل: پیشینه و چشم انداز، ترجمه عبدالعلی قوام، سید احمد فاطمی نژاد و سعید شکوهی، تهران: نشر قومس.

انصاری، باقر و شیما عطار (۱۳۹۲). «حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی مجازی»، مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۳، صص ۱۱۳ - ۱۳۷.

بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۲). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد ۱ و ۲، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ سوم.

پستمن، نیل (۱۳۸۱). تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات.

جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۰). درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.

رحمان‌زاده، سید علی (۱۳۸۹). «کارکرد شبکه‌های اجتماعی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۱، شماره ۱، ۴۹-۷۸.

روحانی، حسن (۱۳۸۲). «مفهوم جدید حاکمیت ملی یا فرسایش حاکمیت‌ها»، مجله راهبرد، شماره ۲۸، ۷-۳۴.

رهبر، عباسعلی و فاطمه اسماعیلی (۱۳۸۹). «انقلاب ارتباطات و تحول در حوزه عمومی»، فصلنامه سیاست مجله پژوهش حقوق و سیاست (علمی - ترویجی)، سال ۱۲، شماره ۳۰، صص ۱۳۳-۱۶۸. زین‌العابدین، یوسف و زهرا شیرزاد (۱۳۸۸). «تحولات ژئوپلیتیکی حاکمیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴، ۹۵-۱۰۳.

سلطانی نژاد، احمد و مسعود موسوی شفقایی و الهام اسدی (۱۳۹۲). «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲، ۷۹-۱۱۲.

۱۱۲ فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در...

- سلیمی، حسین (۱۳۸۳). فرهنگ‌گرایی، حقوق بشر و جهانی شدن، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲). تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۲). «فناوری ارتباطی و اطلاعاتی؛ جهانی شدن و پیامدهای سیاسی آن»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۷-۳۸.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۳). تاریخ فلسفه سیاسی غرب؛ عصر جدید و سده نوزدهم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عسگرخانی، ابو محمد و منصوره روستایی (۱۳۸۹). «جنگ نرم رسانه‌ای و حاکمیت ملی»، فصلنامه سیاست مجله پژوهش حقوق و سیاست (علمی - ترویجی)، سال ۱۲، شماره ۳۰، صص ۲۴۱-۲۶۲.
- غفاری، مسعود و محمد لعل‌علیزاده (۱۳۹۰). «تاثیر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی با بررسی موقعیت ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، ۱۸۹-۲۰۷.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- کیتی‌شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳). حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.
- گوگل (۱۳۹۲). «اطلاعات جغرافیایی جهان را در دستان خود داشته باشید» پایگاه گوگل.
- مستقیمی، بهرام (۱۳۸۵). «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۱، صص ۲۲۱-۲۵۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۰). تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- معصوم زاده کیائی، میر احمد (۱۳۷۹). «حاکمیت دولت‌ها در عصر شرکت‌های چند ملیتی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵، صص ۱۱۴-۱۲۳.
- موسی زاده، رضا (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل عمومی ۱-۲، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نای، جوزف (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱۰۷-۱۱۵.

نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۱). «تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر کنشگران عرصه امنیت جهانی»، فصلنامه پژوهش‌های خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۹۲.

وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۶). «فرا تکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۴، صص ۶۹۷-۷۲۴.

ویلیامز، مارک (۱۳۷۹). «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت؛ تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵، صص ۱۳۲-۱۴۱.

وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

Abele, Robert P. (2014). "Globalization, Self Determination and the End of State Sovereignty", **Global Research**, available at: (<http://www.globalresearch.ca>).

Aghaei, Sareh, Nematbakhsh, Mohammad Ali and Hadi Khosravi Farsani (2012). "Sovereignty of states in the information age: Erosion or consolidation" **International Journal of Web & Semantic Technology (IJWesT)** Vol.3, No.1, January, P1-10.

Annan, Kofi. A (1999). "Two concepts of sovereignty", **the economist**, 18 September 1999.

Calabrese, Andrew, (1999) "Communication and the end of sovereignty?" **info**, Vol. 1 Iss: 4, pp.313 – 326.

Diouma, Bah Mamadou (2000). "Sovereignty of states in the information age: Erosion or consolidation" **Ma, Kebangsaan Malaysia Bangi**, Malaysia.

Drake, William and Paul Bracken (2000). "The Political/Governmental Dimension of the Information Revolution", in **The Global Course of the Information Revolution: Political, Economic, and Social Consequences Proceedings of an International Conference**, Rand Corporation, available at: (http://www.rand.org/pubs/conf_proceedings/CF154.html).

Klassen, Nathan (2005). "State Autonomy and Encryption: An Examination of Technology's Ability to Impact State Autonomy", **Journal of Military and Strategic Studies**, fall, Vol. 8, Issue 1, pp.1-25.

Kumar, Sangeet (2010). "Google Earth and the nation state Sovereignty in the age of new media", **Global Media and Communication**, volume 6, no 2.

- Lamer, Wiebke (2012). "Twitter and Tyrants: New Media and its Effects on Sovereignty in the Middle East", *Arab Media & Society* (16), Accessed October
- Perritt, Henry H. (1998). "The Internet as a Threat to Sovereignty? Thoughts on the Internet's Role in Strengthening National and Global Governance" **Indiana Journal of Global Legal Studies**, no5.
- Rosenau James N. and Singh J.(2002). **Information technologies and global politics: The changing scope of power and governance**, New York: State University of New York Press.
- Sassen, Saskia (1996).**Losing Control? Sovereignty in an Age of Globalization**, New York, NY: Columbia University Press.

